

نت

گزارشی از تازه‌ترین کنسرت گروه شمس

«افسانه مطرب مهتاب‌رو» در بالاترین نقطه پایتخت

فرزانه ابراهیم‌زاده

● پنجشنبه نهمین روز از آبان ۱۳۹۲ بلندترین نقطه پایتخت- «برج میلاد»- میزبان قسه آن «مطرب مهتاب رو» بود که باز در تازه‌ترین کنسرت گروه تنبور شمس و خانواده پورناظری قدم گذاشته بود. مطرب مهتاب‌رویی که شهری را در «افسانه مطرب حیرانی» به هیاهو آورده بود تا به اهنگ کیخسروانی سرود روایت شمس را از هوایی وطنی بگوید که آرزویش هست. پورناظری‌ها یعنی پدر و پسران بعد از همکاری‌های موفق با هنرمندان صاحب‌نامی چون محمدرضا و همایون شجریان و علی‌رضا قربانی بار دیگر در کنسرتی در کنار گروه شمس به صحنه آمده بودند تا علاوه بر قطعات تازه، خاطره کنسرت‌های



به یادماندنی این گروه چون کنسرت نیلوران را زنده کنند. در این کنسرت که موسسه آوی قنقوس تهیه‌کننده آن بود، نجمه تجدد باعنوان همخوان کیخسرو، تهمورس و سهراب پورناظری را همراهی می‌کرد. اجرا با دنوازی تنبور و دودوک با عنوان «شیکرد کولی باه»آغاز گر این کنسرت بود که سهراب پورناظری و ارشاک ساهاکیان اجرا می‌کردند. در این دنوازی «روبین واسی» نوازنده سازهای کوبه‌ای نیز همراهی می‌کرد. با حضور تهمورس پورناظری روی صحنه بخش اصلی کنسرت آغاز شد. «یارم تویی» با آهنگسازی تهمورس روی شعری از فریدون مشیری به‌عنوان نخستین قطعه این بخش اجرا شد. اما اوج این بخش را باید قطعه «یار آمده» دانست. قطعه‌ای با تم موسیقی تاجیک روی شعری از هالای چغتایی که سروده بود: «یار آمد و من طلقت دیدار نندارم/ از خود گلای دارم و از یار نندارم». قطعه هجرانی که قطعه معروف گروه شمس با همخوانی سهراب و تهمورس پورناظری و نجمه تجدد بود با سمع سماع‌گران همراه شد. با اجرای این قطعه بخش اول کنسرت به پایان رسید. بخش دوم کنسرت با افسانه مطرب حیرانی آغاز شد. قطعه‌ای که آن را باید قطعه منحصر به‌فرد گروه شمس دانست و تلفیق چندین قطعه ساخته این خانواده هنرمند از سال‌های دور و نزدیک است و سیری در آثار کیخسرو پورناظری با تنظیم‌های تازه پسران. این قطعه با معرفی گروه شمس آغاز می‌شود: «خوشا چلچراغ درخشان شمس / که می‌تابد از لوح چرخ کیبود». قطعه حیرانی که سال‌ها پیش پورناظری پدر برای پسرعمو ساخته تنها بخش کردی این قطعه است. این قطعه با قطعه «مردان خدا پرده پندار درینند» به اوج خود می‌رسد و در قطعه وطن فرود می‌آید. آنجایی که می‌خواند: «وطن عشق و وطن عشق و وطن عشق/ وطن بخشد به دریایی به ما عشق». با آغاز سه قطعه پایانی ساربان با آهنگی از تهمورس روی شعری از مولانا و دو قطعه مرغ دل و یار یار با آهنگی از سهراب بار دیگر گروه سماع‌گران به صحنه آمدند. در این کنسرت علاوه بر خانواده پورناظری که تنبور و س‌تار و کلانچه و تار می‌نواختند، پوریا پورناظری، کاوه گرابلی، ندا خاکی، علی‌رضا جوادی، خورشید دادبه، نیکناز میرقلعی، کیما جمشید و سپند دادبه با تنبور، ارشاک ساهاکیان با دودوک و کلارینت، روبین واسی با سازهای کوبه‌ای حسین رضایی‌نیا با دف و دایره و آرین کشیشی با باس گروه را همراهی می‌کردند. کنسرت گروه شمس در برج میلاد در نخستین ساعات روز دهم آبان در حالی تمام شد که انگار این نوا جریان داشت: «صدای شمس اگر آهنگ دل‌هاست/ صدای پرطنین ملت ماست».

خبر روز

خروج «فیلمیران»

از کانون بخش‌کنندگان فیلم

● شرق: هیات‌مدیره سازمان بخش «فیلمیران» با انتشار اطلاعیه‌ای، خروج این موسسه را از کانون بخش‌کنندگان فیلم به دلیل «اصرار بر برخی اقدامات کونه‌فکرانه و کود کلاه» اعلام کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «فیلمیران حاصل یک همکاری واقعی بود. تجلی شعار معروف سینما یعنی تیم‌ورک (teamwork). هشت‌سال پیش ما گروهیم آدمیم. همگی پس از سال‌های متمادی فعالیت در عرصه توزیع و البته تولید فیلم به این نتیجه رسیده بودیم که کار به سباق و شیوه پیشین پاسخگوی نیازهای تازه در عرصه توزیع فیلم نیست. باید کاری جدی‌تر و تخصصی‌تر انجام داد. کاری بر زمین مانده و مهم برای پیشبرد و گسترش بخش فیلم در ایران. بر زمین مانده تا از این بابت که کسی تا آن زمان نخواست به تلاش نکرده بود. انجاشم دده، بلکه به این دلیل که همه تلاش‌های مشابه تا آن روز به نتیجه نرسیده بود.» هیات‌مدیره موسسه فیلمیران ادامه داده است: «در آغاز ما نظرات بسیاری از اهالی دلبسته به سینما را شنیدیم و از هر کس که فکر می‌کردیم می‌تواند کمک‌مان کند مشورت گرفتیم و شروع کردیم. البته کار آسانی نبود. هر کدام رای و نظری داشتیم برآمده از تجربه سال‌ها فعالیت‌مان در عرصه تولید، توزیع و نمایش فیلم و کنار هم قراردادن این تجربه‌ها و نظرات متفاوت یا حتی متضاد، گاه نالمنکن جلوه می‌کرد، اما می‌دانستیم با صبر و تحمل و بردباری می‌توان به نتیجه رسید. آنچه که البته تصور اجرایی‌شدنش برای عده‌ای سخت بود: همان‌ها که هر روز منتظر شنیدن خبر زمین‌خوردنمان بودند»

شرق: هما روستا به دلیل بیماری در بیمارستان لاله تهران بستری شد.
دلیلی که باعث شد این بازیگر شناخته‌شده تئاتر و سینما در مراسم بزرگداشتش در دوازدهمین جشن انجمن نویسندگان و منتقدان تئاتر نتواند شرکت کند، روستا در یک‌سال گذشته و بعد از درگذشت حمید سمندریان با وجود اندوه فراوان برای از دست دادن استاد و همسرش تلاش‌های زیادی برای جریان داشتن یکی از بنیانگذاران کارگردانی ایران داشته است.

یکی از مهم‌ترین ایسن تلاش‌ها رانندازی آکادمی تئاتر سمندریان است که اردیبهشت‌ماه همزمان با سالروز تولد حمید سمندریان آغاز به کار کرد. انجمن منتقدان و

هما روستا در بیمارستان

نویسندگان تئاتر در دوازدهمین جشن خود از او تقدیر کرد. اما شدت بیماری باعث شد تا روز پنجشنبه ۹ آبان به بیمارستان منتقل شود و نتواند در این مراسم شرکت کند. روستا در کلویی که در این مراسم پخش شد از سابقه تئاتری خود و آشنایی‌اش با حمید سمندریان می‌گفت. این مراسم با قرائت پیام روستا از بیمارستان توسط نماینده او ادامه یافت. روستا در این پیام با ابراز تاسف از اینکه حضور ندارد؛ داشتن تئاتر خوب و تأثیرگذار را بدون وجود نقد کارشناسانه امکان‌پذیر ندانسته و گفته بود: «یک منتقد نیز باید به مانند یک هنرمند مدام روی خود کار کند و با مطالعه و

تارانتینوی گرافیک در اختتامیه سرو نقره‌ای:

کوچک برایم ایده‌آل است

سحر آزاد



سحر آزاد

آن‌ها فعالیت می‌کنند، کارها کندتر می‌شود و معمولاً کارهای خوب در همین شرکت‌ها محصول گروه‌های کوچک است. به همین دلیل کوچک برایم ایده‌آل است.» او سپس به توصیه رییس سابقش اشاره کرد: «رییس سابقم قانونی داشت که می‌گفت با کسی که از شما باموش‌تر است، کار کنید چون می‌توانید تجربیات بیشتری از آنها یاد بگیرید و معمولاً این افراد، محصولات بهتری دارند.» یکی دیگر از سوال‌ها در مورد میزان کاربرد لحن شخصی طراح در یک اثر بود که زاگمایستر آن را نتیجه‌گذاری زمان دانست:

آشنایی با سبک‌ها و اتفاقات هنری، جهان صاحب‌نظر شود. این صاحب‌نظر بودن باعث می‌شود تا هنرمندان از طریق نقد تأثیرگذار یک منتقد آگاه، نقاط ضعف آثار خود را شناسایی و در رفع آن و در نهایت رشد تئاتر تلاش کنند.» روستا سلیقه‌ای برخورد نکردن با تئاتر را به‌عنوان یک ویژگی مهم برای منتقد دانست.

هما روستا بازیگری را بسا تئاتر آغاز کرد و در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی هم ایفای نقش کرده است. بازی در نقش مدام لیووف اندریونا را نوسکی در باغ آلبالو به کارگردانی حسن معجونی آخرین نقشی است که او روی صحنه ایفا کرده است.



«وقتی کارم را شروع کردم بسیار مخالف ورود لحن شخصی در کارها بودم اما بعد از گذشت زمان متوجه شدم نمی‌توان مانع آنچه که به صورت طبیعی از ما بیرون می‌آید، شد. این روند خیلی طبیعی و ناخودآگاه شکل می‌گیرد و الان لحن شخصی خودم را دارم.» این طراح گرافیک همچنین در مورد اینکه طراح است یا هنرمند، گفت: «من طراح‌م مدرسه طراحی رفته‌ام و کارم در زمینه طراحی بوده است. تفاوت اصلی این دو این است که طراحی باید کاربردی باشد و آثار هنری برای زیبایی خلق می‌شوند. هرچه جلوتر می‌روم بخش کاربردی کارهایم کمتر می‌شود و کارهایی که جنبه کاربردی ندارند برایم جذاب‌تر هستند حتی الان راه رفتن در پارک نسبت به رانندگی، لذت بیشتری برایم دارد.» زاگمایستر برای جلوگیری از طولانی‌شدن پاسخ‌ها، فیلم کوتاهی از راه رفتن حزنونی نشان می‌داد که هرگاه این حزنون به انتهای مسیر می‌رسید، زمان پاسخ دادن نیز تمام می‌شد. او هنگامی که در مقابل این پرسش قرار گرفت که دیوانگی چقدر در خلق یک اثر تأثیر دارد، بعد از گذشت چند ثانیه اینطور پاسخ داد: «همه فکر می‌کنند برای خلاقیت باید خل و دیوانه یا افسرده بود اما این مربوط به افسانه‌ای است که از زندگی ونگوگ بیرون آمده است. خود ونگوگ هم وقتی افسرده بود، هیچ کاری تولید نکرد. خود من هم وقتی خوشحالم بیشتر به‌در بقیه می‌خورم و کارهای بهتری انجام می‌دهم.» در ادامه این مراسم نیز مهدی سعیدی، دبیر سومین نمایشگاه سرو نقره‌ای، از عوامل اجرایی نمایشگاه، علی رشیدی رییس هیات مدیره و فرزاد ادیبی، اونیش امین‌اللهی، پریسا تشکری و مریم کهوند به‌عنوان اعضای هیات‌مدیره انجمن تشکر کرد. سعیدی که اجرایی مراسم را هم برعهده داشت در آغاز مراسم گزارشی از رویدادهایی که در یک هفته برگزاری «سرو نقره‌ای» برگزار شد، ارائه کرد.

چهره روز

پایان هفته «ساموئل خاچیکیان»

در سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران

● شرق: هفته فیلم بزرگداشت ساموئل خاچیکیان «استاد دلهره در سینمای ایران» با تقدیم هدیه و تندیس خاچیکیان به ادوین، پسر این فیلمساز، پنجشنبه ۹ آبان در سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران پایان یافت. در انتهای این مراسم جمشید ارجمند، خاتم نیلوفر، شاهین فرخت، نظام‌الدین کیایی، ابوالحسن تهامی و محمد متوسلاتی به روی صحنه آمدند و تندیس را اهدا کردند. ادوین خاچیکیان درباره پدرش گفت: «پدر دوست خوبی بود و برای من جایش بسیار خالی است و جا دارد که از طرف خودم و مادرم از کسانی که این مراسم را برگزار کردند، قدردانی کنم و امیدوارم این مراسم ادامه داشته باشد. این هفته برای من هفته بسیار خوبی بود و فیلم‌های پدرم نقد متصفانه‌ای شد که شاید در دوران طلایی خودش از همه زوایا به او نگاه نمی‌کردند.» در این مراسم فریدون جیرانی



گفت: «تاریخ سینمای ایران را نمی‌توان به دو قسمت تقسیم کرد و قسمتی از آن را حذف کرد. بنابراین ما اینجا هستیم تا از تاریخ گذشته سینمای ایران و یک فیلمساز شاخص به نام ساموئل خاچیکیان قدردانی کنیم.» در ابتدای این مراسم رییس موزه هنرهای معاصر تهران ضمن سپاسگزاری از تملی افرادی که در برپایی این مراسم کمک کردند، گفت: «در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ دگرگونی‌های بغرنجی از نظر اجتماعی به‌وجود آمد و اتفاقاتی در سینما ایجاد شد که نقطه‌عطفی در سینمای ایران است و بار این تغییرات بر دوش افراد شاخص قرار گرفته است؛ در حوزه سینما هم کسی که ایجاد سنگ‌بنای آن را بر عهده داشت، مرحوم خاچیکیان بوده است.» معتقدفد فیلم «دلهره» – اگرچه نسخه خوبی از آن را به نمایش نگذاشته‌ایم– همچنان دلهره‌آور و موفق است.» جیرانی نیز با انتقاد از بخش فیلم‌ها با کیفیت پایین خطاب به آقایی بیان کرد: «بهتر است با توجه به اینکه این برنامه‌ها هر ۱۰ سال یکبار برگزار می‌شود، ارتباطی با فیلم‌خانه ملی برقرار کنید و نسخه بهتری از فیلم‌ها را به نمایش بگذارید.» آقایی هم در پاسخ گفت: «به‌دلیل ملاحظاتی که در فیلم باید ایجاد شود، نتوانستیم از فیلم‌های ۲۵ میلیمتری استفاده کنیم.»

LEON

Since 1960

خاص بودن رویا نیست.



Oil Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants by Ms. Sedik Adamian (1950)
نقاشی رنگ و روغن از آقای لنون مؤسس رستوران لنون توسط خانم سدیک آدامیان(۱۹۵۰)
رستوران لنون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آبان جنوبی تاسیس گردید
و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته - سام سنتر و نیاوران)
با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.

رزرو کنید.

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی درازشیب
تلفن: ۰۰۲۷۷۴۴۰۰-۰۰۲۷۷۴۴۰۰

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن: ۰۰۸۸۹۰۰۴۶۲-۰۰۸۸۹۳۰۴۶۲

www.leon1960.com

